



کمپین یک میلیون امضا تغییر برای برابری در ایران

The One Million Signatures Campaign Working for Equality in Iran

Vision and Motivation

Iranian women have a long history of leadership in the country's political and social movements for change, stretching back to the 1890 Tobacco Protest, a civic movement against dictatorship and foreign interference in Iran. During the 1905 Constitutional Revolution that established an Iranian Constitution and Parliament, women's voices became more organized, and an effort was launched to raise political awareness about women's rights and to educate girls and women. Women's journals and associations began to emerge.

After the Pahlavi Dynasty came to power in 1925, it strove to modernize Iran through reforms including to the educational system, female literacy and

بینش و انگیزه

مشارکت زنان ایرانی در جنبش‌های سیاسی و اجتماعی، تاریخ طولانی دارد که به قرن‌ها پیش برمی‌گردد. مبارزه زنان به همراه مردان علیه دیکتاتوری و مداخله خارجی‌ان طی نهضت تنباکو (۱۲۶۸ خورشیدی - ۱۳۰۷ قمری)، نشان‌گر حضور زنان در صحنه اجتماعی و سیاسی می‌باشد. طی انقلاب مشروطه نیز جنبش زنان به طور سازمان‌دهی‌شده‌ای به مبارزات خویش ادامه داد که بالا رفتن آگاهی سیاسی و سواد میان زنان از طریق تأسیس مدارس، انجمن‌ها و نشریات زنان، از جمله دستاوردهای جنبش در آن زمان بود.

پس از آنکه رژیم پهلوی در سال ۱۳۰۴ خورشیدی به قدرت رسید، تلاش زیادی برای

women's active participation in public life. Women's rights and opportunities were expanded, from groundbreaking equality in the family to political participation. First, in 1963, women were granted the right to vote and run for office. Four years later, the Family Protection Law heralded a revolution for family law, and the 1975 amendment to the law protected women's rights even more robustly, making it an unprecedented codification of women's rights in the Middle East region. The courts adjudicated issues such as divorce, child custody, child support, and multiple marriages, whereas previous to the landmark legislation, men had had unilateral rights in these areas; in addition, the minimum age of marriage was raised from 9 to 18 for women and from 15 to 20 for men.¹ At the same time, women occupied 24 seats in both houses of parliament and served as mayors, ministers, city council members, ambassadors, judges, and business leaders.²

The 1979 Islamic Revolution obliterated these achievements and rolled back women's legal status virtually overnight. Within two months after the revolution, many articles of the Family Protection Law were repealed in practice. Women were initially forced to wear the hejab at their workplaces, and many were eventually forced out of the workplace altogether; and parks, beaches, sporting events, and other public spaces such as buses were sex-segregated. Within four years, gender segregation had expanded even to primary and secondary schools;

مدرنیزه کردن ایران نمود که از جمله مهم‌ترین این تلاش‌ها، ایجاد نظام آموزشی نوین، افزایش سطح سواد و مشارکت زنان در عرصه عمومی بود. در دوران پهلوی، حقوق زنان در زمینه‌های مختلف، از مشارکت سیاسی تا حقوق خانواده گسترش یافت. در سال ۱۳۴۱، حق رای به زنان اعطا گردید. در سال ۱۳۴۶ نیز با تصویب قانون حمایت خانواده، تحول بزرگی در قانون خانواده به وقوع پیوست که در منطقه خاورمیانه بی‌سابقه بود و طی اصلاحات سال ۱۳۵۴ نیز بار دیگر حقوق زنان در خانواده ارتقا یافت. در امور چون طلاق، حضانت کودکان و تعدد زوجات که تا پیش از این، مردان اختیار مطلق داشتند، دادگاه‌ها صلاحیت پیدا کرده و اختیار مردان محدود گردید. همچنین سن ازدواج دختران از ۹ سالگی به ۱۸ و سن ازدواج پسران از ۱۵ سالگی به ۲۰ سال افزایش یافت.^۱ علاوه بر حضور در صحنه اجتماعی، زنان مشارکت سیاسی بالایی نیز در حکومت داشتند، طوری که زنان توانستند ۲۴ صندلی در پارلمان را از آن خود کنند و در پست‌های دیگر حکومتی به عنوان شهردار، سفیر، معاون وزیر و اعضای شورای شهر... ایفای نقش نمایند.^۲

اما پس از انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، تمامی این دستاوردها یک شبه از دست رفت و وضعیت حقوقی زنان دچار پس‌رفت شد. بسیاری از مواد قانون حمایت خانواده در عمل ملغی گردید، حجاب اجباری شد و تفکیک جنسیتی در بسیاری از مراکز عمومی اعمال گردید، طوری که طی ۴ سال پس از انقلاب، تفکیک جنسیتی در مدارس ابتدایی و راهنمایی نیز اعمال شد. همچنین حجاب اجباری به صورت قانون درآمد، طوری که تبصره ماده ۶۳۸ قانون مجازات

imprisonment and fines were imposed as punishment for women who failed to follow the official dress rules; and women's legal value was reduced to half that of a man in cases requiring monetary compensation for loss of life.³ As Shirin Ebadi put it, "The laws, in short, turned the clock back fourteen hundred years, to... the days when stoning women for adultery and chopping off the hands of thieves were considered appropriate sentences."⁴

During the revolution, liberal women, albeit in limited numbers, held demonstrations against compulsory hejab and sex segregation and were outspoken in their criticism of discriminatory laws; however, in the face of violence from Islamic radicals and complacency from leftist groups, they failed to put forth a coherent and sustained movement to address gender inequality.⁵ In short, many Iranians who may have not been in favor of mandatory hejab chose to stay silent on the matter, and many leftist groups actively called on women to defer their demands for women's rights in favor of larger, so called more important goals. As a result, many liberal-minded women were forced to flee the country, while others, many of them highly educated professional women, were forced out of the public sphere and isolated within the bounds of home. The struggle for equal rights, however constrained and coded, continued over the ensuing decades, eventually leading to the launch of the One Million Signatures Campaign in 2006. During the three previous years, Iranian women's rights activists had grown

اسلامی، مجازات حبس و جزای نقدی را برای بی‌حجابی پیش‌بینی کرد. به علاوه طبق قانون مجازات اسلامی، دیه زنان نصف مردان شد.^۳ در ارتباط با تصویب چنین قوانینی، شیرین عبادی اعتقاد دارد: این قوانین ما را به ۱۴۰۰ سال پیش برگرداند، زمانی که سنگسار زنان برای زنا و قطع عضو برای سرقت، مجازات‌های مناسبی به حساب می‌آمدند.^۴

طی سال‌های اول پس از انقلاب، زنان آزادی‌خواه، تظاهرات‌هایی را علیه حجاب اجباری و تفکیک جنسیتی برگزار کردند و همیشه قوانین تبعیض‌آمیز را مورد نقد قرار می‌دادند. اما در این دوران به دلیل سرکوب شدید حکومتی، جنبش زنان فاقد نظم سازمان‌دهی شده بود.^۵ بسیاری از زنان، علی‌رغم میل باطنی خود مجبور به سکوت گشته و گروه‌های چپ نیز زنان را به عقب‌نشینی از خواسته‌های خود برای رسیدن به اهداف بزرگ‌تر فرا می‌خواندند. در نتیجه بسیاری از زنان تحصیل کرده به انزوا کشیده شده بودند تا اینکه در سال ۱۳۸۵، با آغاز کمپین یک میلیون امضا، حرکت زنان برای اولین بار به صورت منسجم درآمد. ۳ سال قبل از شروع کمپین، تلاش زنان در سطح بین‌المللی مطرح شد. پس از آنکه در سال ۱۳۸۲، جایزه صلح نوبل به شیرین عبادی تعلق گرفت، فمینیست‌های ایرانی، جلساتی را در خصوص حقوق زنان برگزار کردند که در نهایت منجر به برگزاری تظاهراتی مقابل دانشگاه تهران، در تاریخ ۲۲ خرداد ۱۳۸۴ گردید. این تظاهرات توانست بیش از ۶۰۰ فعال از زن و مرد را دور یکدیگر جمع کند. یک سال بعد در چنین تاریخی، تظاهرات دیگری در میدان هفتم تیر تهران برگزار گردید که توانست حمایت بسیاری از فعالان حقوق بشر داخل و

increasingly visible on an international level. After human rights lawyer Shirin Ebadi was awarded the Nobel Peace Prize in 2003, Iranian feminists held a series of seminars on women's rights that led to an unprecedented demonstration against gender inequality in front of Tehran University on June 12, 2005. This event united over 600 male and female activists, and on the same day the next year, women's rights activists organized another demonstration in Tehran's Haft-e Tir Square, which gained the support of both local and international human rights groups such as Amnesty International. The protesters "demand[ed] the reform of laws, especially family laws, that discriminate against women."⁶

Activists also distributed a pamphlet on "The Effects of Laws on Women's Lives" across Tehran.⁷ Although the demonstration was peaceful, security forces swiftly broke it up, attacking the activists with clubs and pepper spray and arresting 70 people.⁸ "We never imagined we'd be met with so much resistance," says one of the campaign's founders. "Our demands were so basic."⁹

Two months later, on August 27, a group of 54 activists launched the One Million Signatures Campaign, meeting in the street in front of the closed doors of a Tehran charity institute, due to government restrictions on group meetings.¹⁰ The Campaign launched its activities as a way to demonstrate widespread grassroots support for the Iranian women's rights movement for legal equality. This movement

خارج، از جمله عفو بین‌الملل را به خود جلب کند. تظاهرکنندگان «خواستار اصلاح قوانین، به خصوص قوانین تبعیض‌آمیز خانواده بودند.»^۶ در این حرکت، فعالان جنبش زنان دست به ابتکار زده و جزوه «تاثیر قوانین بر زندگی زنان» را در تهران پخش کردند.^۷ علی‌رغم مسالمت‌آمیز بودن تظاهرات، نیروهای امنیتی با باتوم و گاز اشک‌آور به شرکت‌کنندگان حمله کرده و ۷۰ نفر را دستگیر کردند.^۸ در خصوص این تظاهرات، یکی از مؤسسان کمپین چنین می‌گوید: «ما اصلاً تصورش را نمی‌کردیم که با چنین مقاومتی روبه‌رو شویم... خواسته‌های ما کاملاً ابتدایی بود.»^۹

دو ماه بعد یعنی در تاریخ ۵ شهریور ۱۳۸۵، ۵۴ نفر از فعالان جنبش زنان، پشت درهای بسته مؤسسه خیریه رعد، کمپین یک میلیون امضا را آغاز نمودند.^{۱۰} در واقع کمپین، آغاز حرکتی منسجم بود در اعتراض به قوانین تبعیض‌آمیز علیه زنان، از طریق آموزش و بالا بردن آگاهی عمومی نسبت به وضعیت حقوقی زنان، جمع‌آوری امضا و فشار بر قانون‌گذاران برای تغییر این قوانین.

اهداف و مقاصد

هدف اولیه کمپین، لغو قوانین تبعیض‌آمیز علیه زنان در ایران می‌باشد و در نهایت تغییر هنجارهای فرهنگی و اجتماعی تبعیض‌آمیز در جامعه. از آنجا که رهبران کمپین می‌دانستند جنبش زنان نیاز به حمایت عموم مردم در مقابله با دولت دارد، آنها تصمیم به جمع‌آوری یک میلیون امضا نمودند. جمع‌آوری امضا وسیله‌ای بود برای ایجاد همکاری میان بخش‌های مختلف جامعه. کمپین در صدد ایجاد تغییر از پایین به

addresses gender discrimination in Iran's legal system through public education on women's legal status, collecting signatures on a petition to change discriminatory laws, and putting pressure on legislators to change these laws.

Goals and Objectives

The campaign's primary goal is to dismantle discriminatory laws against women in Iran, with a wider vision of transforming the societal and cultural norms which keep these laws in place. The campaign's leaders knew that their movement needed mass popular support in order to face the government, so they sought to accrue one million signatures on their petition for legal change. Collection of signatures also promotes cooperation between different sectors of society. This helps lay the ground for bottom-up change via public education and promotion of dialogue between diverse groups of people; it seeks to build a stronger relationship between intellectuals and ordinary people.¹¹ Through this type of cooperation, the movement identifies women's needs and amplifies their voices.

As the campaign gathered support across the country, expanding from Tehran to Tabriz, Esfahan, Hamedan, Gorgan, Zanjan, Karaj, Yazd, and Kermanshah by the end of 2006, it proved that demand for legal reform was not limited to a particular group of human rights activists but encompassed everyday people from all walks of life.¹² Despite the regime's censorship of the movement's activities

بالا بود که برای رسیدن به این مقصود، دو راه را مد نظر داشت، یکی آموزش عمومی و دیگری ارتقا گفتگو میان گروه‌های مختلف جامعه. جمع‌آوری امضا راهی بود برای ایجاد ارتباط قوی میان مردم عادی و روشنفکران جامعه.^{۱۱} از میان چنین همکاری، جنبش، نیازهای زنان را شناسایی کرده و صدای آنها را به گوش جهانیان می‌رساند.

تنها ظرف یک سال، کمپین در سراسر کشور گسترش یافت و علاوه بر تهران، شهرهایی چون تبریز، اصفهان، همدان، گرگان، زنجان، کرج، یزد و کرمانشاه از جنبش حمایت کردند که این امر بیان‌کننده این واقعیت است که خواسته



تغییر قانون، تنها منحصر به گروه کوچکی از جامعه نیست.^{۱۲} علی‌رغم اینکه دولت بسیار تلاش نمود تا فعالیت‌های جنبش زنان را محدود کند و نوشته‌های فعالین را سانسور نماید، اعضای کمپین به خوبی توانستند آگاهی عمومی را نسبت به حقوق زنان افزایش و اندیشه برابری اجتماعی را در جامعه ارتقا دهند، طوری که خواسته برابری جنسیتی به طور عمومی در جامعه مطرح گردید.^{۱۳} یکی از مهم‌ترین دستاوردهای کمپین، اصلاح قانون ارث در سال ۱۳۸۷ بود که طبق آن زنان می‌توانند از قیمت زمین نیز ارث ببرند، چیزی که طبق قانون مدنی

and writings, the campaign has effectively raised ordinary people's awareness of women's rights, promoted the idea of societal equality, and publicized women's demands.¹³ One example of the movement's practical achievements is its successful pressuring of Parliament to amend the inheritance law in 2008, giving women the right to inherit their husband's property. Also in 2008, women were granted the right to equal blood money in accidents covered by insurance companies, and Parliament prevented passage of Articles 23 and 25 of the "Family Protection" bill proposed by the Ahmadinejad government in 2007, which would have enabled men to take additional wives without their first wife's consent and would have mandated that women pay a tax on their fiance's mehrieh (dowry gift).

As part of outreach, campaign activists talk face to face with women at their homes and public places. The campaign's "education committee" trains these activists in the legal issues the campaign focuses on, as well as methods of communicating with people and collecting signatures. "Train-the-trainer" sessions educate women's rights activists, who can go out and expand the campaign's support base by hosting training sessions of their own across the country.¹⁴ This informal learning approach resonates well with the country's student movement, who help to disseminate the message of equality from within the massive university system.¹⁵

The campaign's pamphlets explain the legal issues the campaign focuses

از آن بی‌بهره بودند. همچنین در خرداد ۱۳۰۷، از آن بی‌بهره بودند. همچنین در خرداد ۱۳۸۷، مقررات مربوط به دیه، دستخوش اصلاحاتی شد، بدین ترتیب که در تصادفات تحت پوشش بیمه، دیه زن و مرد برابر گردید. همچنین، در نتیجه اعتراضات وارد بر لایحه حمایت خانواده که توسط دولت احمدی‌نژاد در سال ۱۳۸۶ پیشنهاد شده بود، سرانجام مجلس در تاریخ ۸ شهریور ۱۳۸۷، مواد ۲۳ و ۲۵ لایحه را حذف نمود. ماده ۲۳ لایحه تعدد زوجات را بدون رضایت زن اول برای مردان مجاز می‌دانست. طبق ماده ۲۵ نیز زن موظف بود در بدو ازدواج، مالیات مهریه خود را بپردازد.

یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های کمپین، گفتگوی رودررو با زنان در خانه‌ها و مکان‌های عمومی است. کمیته آموزش کمپین، مسائل حقوقی مورد توجه کمپین، روش‌های برقراری ارتباط با مردم و جمع‌آوری امضا را به فعالین آموزش می‌دهد. این دوره‌های آموزشی، فعالین حقوق زنان را آماده می‌کند تا بتوانند این آموزه‌ها را به دیگران انتقال دهند.^{۱۴} این رویکرد آموزشی موجب پیوند کمپین و جنبش دانشجویی گردیده تا پیام برابری‌خواهی را در کل نظام آموزشی گسترش دهد.^{۱۵}

جزوات کمپین، مسائل حقوقی مورد توجه کمپین را مورد بحث قرار می‌دهند که عبارتند از: حق ازدواج، طلاق، حضانت، برابری در روابط خانوادگی، اعطاء تابعیت به فرزندان، دیه، ارث، شهادت، دسترسی به پست‌های بالای مدیریتی، سن مسئولیت کیفری، قتل‌های ناموسی، سنگسار و حجاب اجباری.^{۱۶}

پس از جمع‌آوری یک میلیون امضا، کمپین خواسته اعتراضی خود مبنی بر تغییر

on, including equality in marriage and divorce, child custody, and family relations; the right to pass on citizenship to one's children; equality in blood money, inheritance, and giving testimony; access to leadership positions; changing the age of criminal responsibility; and banning honor killings, stonings, and compulsory hejab.¹⁶

After collecting one million signatures, the campaign plans to present the petition to Parliament and lobby the legislature to enact legal change, as it has already begun doing. The campaign has continually accepted online petition signatures as a sign of mass popular support, although it will not include these signatures in its official tally.

Leadership

The One Million Signatures Campaign was initially founded by 54 activists, including well-known lawyers such as Shirin Ebadi, prominent women's rights activists and journalists such as Noushin Ahmadi Khorasani, Narges Mohammadi, Parvin Ardalan, Zhila Bani Yaghoob, Fariba Davoodi Mohajer, and Bahareh Hedayat.¹⁷ The campaign also received quick support from celebrities including directors Tahmineh Milani, Pooran Derakhshandeh, and Rakhshan Bani Etemad, and poet Simin Behbahani.

Despite the involvement of such prominent figures, the campaign remains primarily a grassroots movement. Its founders deliberately chose to avoid a traditional hierarchical leadership model, believing that such a system "failed to

قوانین تبعیض آمیز را همراه با امضاها تقدیم مجلس می کند و همان طور که در بالا اشاره شد، در مواردی مذاکرات فعالین کمپین با نمایندگان به نتایج مثبتی رسیده است. کمپین همچنان به جمع آوری امضا ادامه می دهد و جهت نشان دادن حمایت گسترده مردمی، امضاها را آن لاین نیز پذیرفته می شوند، هر چند که در سطح رسمی مورد استفاده قرار نخواهند گرفت.

رهبری

کمپین یک میلیون امضا، ابتدا با حضور ۵۴ نفر بنیان نهاده شد. حقوق دانانی چون شیرین عبادی به همراه فعالان برجسته حقوق زنان و روزنامه نگارانی چون نوشین احمدی خراسانی، نرگس محمدی، پروین اردلان، ژیلای بنی یعقوب، فریبا داودی مهاجر و بهاره هدایت در میان این افراد بودند.^{۱۷} همچنین هنرمندان مشهوری همچون تهمینه میلانی، پوران درخشنده، رخشان بنی اعتماد و سیمین بهبهانی نیز حمایت خود را از کمپین اعلام کردند.



علی رغم حضور چهره های شاخص، کمپین به صورت کاملا مردمی اداره می شود، بدین صورت که سعی می شود از مدل رهبری سنتی سلسله مراتبی اجتناب شود چرا که به

create opportunities for ordinary people - meaning especially younger and lower-income women - to become involved in trying to improve unjust laws.”¹⁸

As the campaign attracted new members, they built a team around the idea that “there can be many paths to the same goal and that we do not need to form an absolute consensus... in order to make progress.”¹⁹ The movement asks its members to agree only on a basic set of principles, thus encouraging inclusiveness and discouraging warring factions.²⁰ The campaign believes that “there is no single formula for building a relationship with different groups, but [basic] principles should be respected. Audience diversity requires different formulas to build relationships.” The campaign's petition, statement of goals, and “Effects of Laws on Women's Lives” pamphlet are the main documents on which members' activities are based. Members are empowered to follow these principles in their own ways - for instance, by using journalism or the arts.²¹ As one of the campaign members says, “Wherever we strive to campaign, we act in accordance with the [local] geographic and social conditions. That's why local activists must be the ones to work on [their own] campaign sites. I think the campaign has been successful in large cities such as Esfahan, Tabriz, and Rasht because of the quality of the activists in those cities.”²²

All activists, including both men and women, throughout the country and abroad, are able to join the campaign. The

عقیده فعالان کمپین، چنین سیستمی نمی‌تواند اجازه مشارکت عمومی را برای افراد عادی جامعه به خصوص جوانان و زنان کم‌درآمد فراهم آورد.^{۱۸}

با توجه به حمایت گسترده از کمپین و پیوستن گروه وسیعی از مردم، کمپین تصمیم گرفت تا به اعضا درجه‌ای از خودمختاری اعطا کند، چرا که به عقیده نوشین احمدی خراسانی، راه‌های زیادی برای رسیدن به هدف مشترک وجود دارد.^{۱۹} کمپین از اعضا می‌خواهد تنها بر اصول اساسی کمپین پایبند باشند تا از پراکندگی اعضا جلوگیری شود.^{۲۰} به عقیده کمپین، یک فرمول مشخص برای برقراری ارتباط با گروه‌های مختلف وجود ندارد و تنها اصول اولیه کمپین باید مورد احترام قرار گیرد. تنوع در مخاطبین، مستلزم تنوع در راه‌های برقراری ارتباط با مخاطبین می‌باشد. بیانیه کمپین، جزوه حقوقی تاثیر قوانین بر زندگی زنان و کلیات طرح یک میلیون امضا برای تغییر قوانین تبعیض‌آمیز، سه سند اصلی هستند که تمامی فعالیت‌ها می‌بایست بر مبنای آنها باشد و اعضا می‌توانند از این اصول به طریق خویش پیروی کنند، به طور مثال از طریق روزنامه‌نگاری یا فعالیت‌های هنری.^{۲۱} همان‌طور که یکی از اعضای کمپین می‌گوید: «باید در هر شهری با توجه به پتانسیل شهر و توان کنشگران آن، به گسترش برابری زنان و مردان همت کرد... در واقع در هر کجا که بخواهیم کمپین را بکاریم، باید با توجه به شرایط جغرافیایی و اجتماعی آنجا عمل کنیم تا به بار بنشیند. به همین دلیل باید با کنشگران بومی آنجا رفت و آمد داشته باشیم، آنها در سایت‌های کمپین بنویسند و... من فکر می‌کنم اگر کمپین در شهرهای بزرگی مثل تبریز، رشت و اصفهان موفق بوده به

campaign is currently based in about 20 Iranian cities and ten additional countries around the world. When people wish to organize a campaign activity in their town, they contact the “cities” committee before moving forward locally. The movement encourages independence within its committees, and regional groups both contribute to the main campaign website and maintain their own sites.²³ Small groups are empowered to make decisions on their own, and responsibilities are regularly rotated between people and groups “so that none may begin claiming a certain area as ‘her’ or ‘our’ domain.”²⁴

Civic Environment

Since Iran’s 1979 revolution, according to Freedom House, “the country’s theocratic rulers have harshly repressed citizens’ democratic aspirations.”²⁵ The unelected Supreme Leader is the highest-ranking leader in the country, holding complete control over the country’s security apparatus. In a 1993 UN resolution, the General Assembly expressed its concern over “the high number of executions, cases of torture and cruel, inhuman or degrading treatment or punishment, the standard of the administration of justice, the absence of guarantees of due process of law, discriminatory treatment of certain groups of citizens... and restrictions on the freedom of expression, thought, opinion and the press...”²⁶

According to Freedom House, after President Mahmoud Ahmadinejad came to power in 2005, “respect for political

دلیل وجود کنشگران خوب در آن شهرها است.”^{۲۲}

کلیه افراد، چه در داخل و چه خارج از کشور می‌توانند به کمپین بپیوندند. کمپین هم‌اکنون در ۲۰ شهر ایران و ۱۰ کشور دیگر فعال است. جهت راه‌اندازی کمپین در یک شهر، می‌بایست با کمیته شهرها هماهنگی به عمل آید. کمپین، استقلال کمیته‌ها و گروه‌های محلی را مورد توجه خاص قرار می‌دهد.^{۲۳} گروه‌های کوچک می‌توانند خود در تصمیم‌گیری مشارکت داشته و در چنین شرایطی در واقع مردم و گروه‌ها مسئول فعالیت‌های خود می‌باشند به صورتی که کسی نمی‌تواند حوزه مشخصی را به صورت انحصاری برای خود در بیاورد.^{۲۴}

فضای مدنی

طبق گزارش خانه آزادی، از سال ۱۳۵۷، حاکمان مذهبی در ایران، آرمان‌های دموکراتیک مردم ایران را با شدت تمام سرکوب کرده‌اند.^{۲۵} رهبر جمهوری اسلامی که طبق قانون اساسی بالاترین مقام کشور است، کنترل نیروهای امنیتی را به طور کامل در دست دارد. در سال ۱۹۹۳، مجمع عمومی سازمان ملل متحد طی قطعنامه‌ای نگرانی خود را نسبت به آمار بالای اعدام‌ها، شکنجه، عدم اجرای عدالت، عدم حاکمیت قانون، رفتار تبعیض‌آمیز با شهروندان، محدودیت‌های وارده بر آزادی بیان، فکر، عقیده و مطبوعات، ابراز کرد.^{۲۶}

مطابق گزارش خانه آزادی، پس از آنکه محمود احمدی‌نژاد در سال ۱۳۸۴، به ریاست جمهوری رسید، حقوق سیاسی و آزادی‌های فردی در وضعیت بسیار اسفناکی قرار گرفت و جامعه مدنی بیش از پیش منزوی گردید.^{۲۷} در

rights and individual liberties has further deteriorated, and civil society has grown ever more isolated.”²⁷ In June 2009, Ahmadinejad was re-elected despite widespread charges of fraud, and Iranians rose up in protest across the country. Security forces violently repressed the demonstrations, tightened restrictions on freedom of speech, and intimidated, arrested, tortured and raped activists.²⁸

In this increasingly repressive environment, the regime views the One Million Signatures Campaign as a threat to national security. From the beginning, the state resisted the campaign, preventing its founders from holding an opening ceremony. It has blocked public conferences and seminars on women’s rights, forcing campaign members to hold sessions in their homes – although security forces have even raided home sessions and interrogated homeowners.²⁹ During the post-2009 election period, One Million Signatures campaign activity has become less intense and less publicized. Nonetheless, campaign members have sought to strengthen the movement by recruiting activists who became active in the aftermath of the 2009 election.³⁰ However, many women’s rights activists have left the country since June 2009, necessitating the use of the internet to maintain activist networks. According to one of the campaigners in exile, “Although the post- election violence has affected the women’s rights movement, networking has prevented the campaign from collapsing.”³¹ As human rights lawyer Nasrin Sotoudeh

خرداد ۱۳۸۸ نیز علی‌رغم اتهامات مربوط به تقلب انتخاباتی، محمود احمدی‌نژاد بار دیگر قدرت را دست گرفت و واکنش‌های اعتراضی مردم نسبت به تقلب انتخاباتی با سرکوب شدید مواجه گردید. آمار بالای کشته‌شدگان و زندانیان، شکنجه و فقدان آزادی بیان، از جمله نتایج خرداد ۸۸ بود.^{۲۸}

در چنین وضعیت خفقان‌آوری، کمپین یک میلیون امضا از دید حکومت، تهدیدی است برای امنیت ملی کشور. از ابتدای فعالیت کمپین، حکومت، محدودیت‌های شدیدی بر فعالیت‌های آن وارد کرد، طوری که نیروهای امنیتی مانع برگزاری مراسم افتتاحیه کمپین در موسسه رعد شدند. از آن تاریخ به بعد، حکومت از شیوه‌های مختلف برای سرکوب کمپین استفاده کرده است. نیروهای امنیتی مانع برگزاری جلسات عمومی کمپین می‌شدند به طوری که اعضا مجبور بودند این جلسات را در خانه‌هایشان برگزار کنند که البته آن نیز با مقابله حکومت مواجه می‌شد. مقامات امنیتی به خانه‌های اعضا حمله کرده و آنها را دستگیر می‌کردند.^{۲۹} پس از دهمین انتخابات ریاست جمهوری، جنبش زنان با محدودیت‌های بسیاری مواجه گردید. با این وجود، کمپین توانسته است با اعضای جنبش‌های مدنی دیگر پیوند خورده و آرمان‌های کمپین را زنده نگاه دارد.^{۳۰} پس از خرداد ۸۸، بسیاری از فعالان حقوق زنان مجبور به ترک کشور شدند و این امر موجب گردید تا فعالیت‌های خود را از طریق شبکه‌های اجتماعی ادامه دهند. یکی از اعضای کمپین در تبعید، معتقد است «با وجود اینکه نمی‌توان پیامدهای خروج بخشی از بدنه فعال و با تجربه جنبش زنان و شدت گرفتن فشار و سرکوب بر اعضای فعال

puts it, "While the campaign's external activities have subsided, this movement has not been repressed."³²

So far, over 50 members have been arrested for their involvement in the campaign, while hundreds more have had their passports revoked or have been barred from the education system.³³ The government has shut the campaign's website down dozens of times, and many members who are not incarcerated are under constant surveillance.³⁴ Campaign members have been sentenced to imprisonment, flogging, and deportation on charges such as acting against national security, propaganda against the state, and disturbing public opinion. The UN Secretary General's March 2011 report on human rights in Iran highlighted state retribution against members of the One Million Signatures Campaign.³⁵ Furthermore, a March 2011 Human Rights Watch statement describes how "security forces and judiciary officials routinely have subjected female activists to threats, harassment, interrogations, and imprisonment..."³⁶

Message and Audience

The movement aims to "back its demands with a popular following powerful enough to make lawmakers take notice and begin discussing legal reform with representatives from the women's rights movement."³⁷ The campaign believes that the current laws do not reflect today's social norms, and so they must be reformed. By educating women and

جنبش زنان را نادیده گرفت، اما تجربه کار در درون شبکه‌های اجتماعی توانسته است مانع فروپاشی جنبش زنان شود و ارتباط حداقلی آنها را برای ادامه کار مشترک حفظ کند.^{۳۱} نسرین ستوده نیز معتقد است، علی‌رغم فشارهای زیاد بر کمپین، جنبش زنان همچنان به راه خود ادامه می‌دهد.^{۳۲}

تا الان، بیش از ۵۰ تن از اعضای کمپین، صرفاً به دلیل فعالیت‌هایشان در کمپین بازداشت شده و این در حالی است که صدها نفر از فعالین کمپین، از تحصیل محروم گشته و یا ممنوع‌الخروج گردیده‌اند.^{۳۳} بارها دولت، وبسایت کمپین را فیلتر کرده و اعضا را مورد بازجویی قرار داده است.^{۳۴} با اتهاماتی چون اقدام علیه امنیت ملی، تبلیغ علیه نظام و تشویش اذهان عمومی، اعضای کمپین دستگیر شده و احکامی مانند حبس، شلاق و تبعید علیه آنان صادر گردیده. دبیر کل سازمان ملل متحد در اسفند سال ۱۳۹۰، طی گزارش خود نسبت به وضعیت حقوق بشر در ایران، اعمال مجازات علیه اعضای کمپین را مورد توجه قرار داده است.^{۳۵} به علاوه، گزارش دیده‌بان حقوق بشر در اسفند ۱۳۹۰، نشان می‌دهد که چگونه نیروهای امنیتی و مقامات قوه قضاییه، فعالین کمپین را مورد تهدید، بازجویی و بازداشت قرار می‌دهند.^{۳۶}

پیام و مخاطب

بنابه گفته نوشین احمدی خراسانی، جنبش زنان با حمایت‌های گسترده مردمی در پی تاثیرگذاری بر قانون‌گذاران است تا بتواند آنها را متوجه موارد نقض حقوق زنان و لزوم اصلاح قانونی کند.^{۳۷} به اعتقاد کمپین، قوانین حاضر، بازتاب‌هنجارهای اجتماعی حاضر نیست و می‌بایست تغییر یابند. از

obtaining their signatures, the campaign reaches beyond feminist advocates to make every person who signs the petition a member of the movement. According to Mahnaz Afkhami, former minister of women's affairs in Iran prior to the revolution and founder and president of the Women's Learning Partnership, "The campaign brings to mind the image of raindrops falling, forming rivulets, and then converging on an ever-larger scale until they become a river. First there is a murmur, a trickle, and then, gradually, a torrent of voices sounding together and reaching far and wide."³⁸

As such, its primary target is Iranian lawmakers, but it also focuses on reaching a wide, general audience as both a means to exert pressure on lawmakers and as a means to raise the awareness of society at large. The campaign approaches potential signees in spaces traditionally reserved for women, such as homes, but also parks, universities, production centers, factories, health centers, religious gatherings, sports centers, and public transportation centers.

However, the campaign is not biased towards women only; since the start of its activities, men and women have cooperated together to promote the concept of societal equality. Furthermore, in order to reach diverse sectors of society, including religious groups, the campaign declares that its demands do not conflict with Islam; rather, they seek legal reform based on a dynamic interpretation of sharia law. As one campaign member says, "Most of the women campaigners are Muslims. They

طریق آموزش و جمع‌آوری امضا، کمپین نه تنها در میان مدافعین حقوق زنان که در میان اقشار مختلف جامعه خواسته‌های خود را مطرح می‌کند. مهناز افخمی، وزیر مشاور در امور زنان قبل از انقلاب و بنیان‌گذار و رئیس سازمان بین‌المللی آموزش و همکاری زنان، معتقد است، جنبش زنان مانند قطرات باران است که کم‌کم به رود تبدیل می‌شود. کمپین در ابتدا به صورت زمزمه‌ای بوده در میان فعالان حقوق زنان و کم‌کم تبدیل به موجی از صداهای مختلف گردیده که همراه با یکدیگر به آن سوی مرزها نیز گسترانید شده است.^{۳۸}

بنابراین می‌توان گفت که کمپین در ابتدا قانون‌گذاران را مورد هدف قرار داده تا از این



طریق، آنها را وادار به اصلاحات قانونی کنند و در مرحله بعد، اقشار مختلف برای بالا بردن سطح آگاهی جامعه نسبت به حقوق زنان. کمپین در منازل و مکان‌های عمومی مختلف از جمله پارک‌ها، دانشگاه‌ها، کارخانه‌ها، مراکز پزشکی، مذهبی، ورزشی... با افراد صحبت کرده تا حمایت آنها را برای جنبش زنان جلب کند.

جهت ارتقا مفهوم برابری میان همگان،

always say: We believe in Islam; we are just challenging these laws and saying these laws are not suitable for now'.³⁹ In fact, the campaign has cited such reputable Islamic leaders as Ayatollah Yousef Sanei and Ayatollah Bojnourdi, who support reforms to discriminatory laws.⁴⁰ The campaign also follows the tradition of ijtehad - using independent reasoning in religious interpretation of the Qur'an - and sunnah (the practices of Mohammed, Islam's prophet), which allows religious leaders to adapt religious rules to societal changes.

The movement has kept its message apolitical, casting its demands within the framework of Iran's existing laws without announcing opposition to the state's political foundations. Simultaneously, the campaign maintains its independence by not receiving funding from any governmental, domestic, or international organization.⁴¹ While it has tried to establish that as such, it poses no threat to the state, the campaign has still been suppressed by security forces, like other peaceful social movements. Indeed, according to prominent women's rights activist Parvin Ardalan, due to Iran's closed political environment, social movements such as this are often politicized, even against their will.⁴²

Outreach Activities

The campaign's objective, according to member Fariba Davoodi Mohajer, "was to go from local to regional networking, and from there on to international networking."⁴³ As such, the One Million

کمپین، تمامی افراد جامعه اعم از زن و مرد را مورد خطاب قرار می‌دهد. به علاوه برای اینکه جنبش زنان بتواند حمایت گروه‌های مذهبی جامعه را نیز به خود جلب کند، عدم مغایرت خواسته‌هایشان با اسلام را به صراحت اعلام نموده و خواهان تفسیر پویا از دین می‌باشد. بنا به گفته یکی از اعضای کمپین، بیشتر فعالان زن در کمپین، مسلمان می‌باشند. آنها همیشه می‌گویند: ما به اسلام معتقد هستیم و تنها قوانین حاضر را به چالش کشیده و معتقدیم که این قوانین با شرایط حاضر جامعه مطابقت ندارد.^{۳۹} جهت ارائه تفاسیر پویا از دین، کمپین از نظریات فقهایی چون آیت‌الله صانعی و آیت‌الله بجنوردی بهره برده است.^{۴۰} اجتهاد یکی از منابع فقه پویا بوده که کمپین از آن، جهت انطباق قوانین اسلامی با تغییرات اجتماعی از طریق فقه‌های متجدد بهره می‌برد.

کمپین خود را از جهت‌گیری‌های سیاسی بری نموده و جهت حفظ استقلال خویش، از هیچ نهاد داخلی یا خارجی، منابع مالی دریافت نمی‌کند.^{۴۱} البته علی‌رغم مسالمت‌آمیز بودن فعالیت‌های جنبش زنان به دور از مواضع سیاسی، بارها کمپین مورد هدف حکومت قرار گرفته. به عقیده پروین اردلان، به خاطر فضای سیاسی بسته جامعه حاضر ایران، جنبش‌های اجتماعی نظیر جنبش زنان، علی‌رغم میل باطنی‌شان در مسیر سیاسی قرار می‌گیرند.^{۴۲}

فعالیت‌های فراگستر

بنا به گفته فریبا داودی مهاجر، کمپین در پی شبکه‌سازی در سطح محلی، منطقه‌ای و در نهایت بین‌المللی بوده است.^{۴۳} کمپین توانسته

Signatures Campaign has built networks with more narrowly defined women's rights groups such as the Campaign Against Stoning. Parvin Ardalan says, "The concept of equality increased our sensitivity to inequality in diverse areas... it was the common point between us and students, minorities, and even workers' movements..."⁴⁴ During the 2009 presidential campaign, for example, the movement rallied together over 40 women's and human rights groups in a coalition that persuaded all the presidential candidates to state their positions on women's issues - a significant first in Iranian politics.⁴⁵ Furthermore, during the post-2009 presidential election unrest, the campaigners created a support network to help detainees' families, especially women, by accompanying families to prisons, joining protests in front of prisons, and educating protesters about citizens' rights.

During the following two years, many of the campaign activists had to leave the country, but continued to publicize human rights violations in Iran through the media, civic associations, and international organizations. As one activist says, "The outside world gives us new capabilities. Freedom of expression and the associated opportunities have enabled us to be active and serve as the voice of activists in Iran."⁴⁶ Furthermore, cooperation between these recent exiles and longtime Iranian expatriates has created solidarity between different groups of women in Iran and abroad and enabled them to appeal to the international community more directly.⁴⁷

است با شبکه‌های محدودتری در زمینه حقوق زنان نیز همچون کمپین علیه سنگسار، ارتباط برقرار کند. پروین اردلان معتقد است «مفهوم برابری حساسیت ما نسبت به نابرابری در زمینه‌های مختلف را برانگیخته است... و در واقع این امر نقطه مشترکی است میان ما، جنبش‌های دانشجویی، اقلیت‌ها و حتی جنبش‌های کارگری...»^{۴۴} طی کمپین دهمین انتخابات ریاست جمهوری، جنبش زنان در ائتلافی به همراهی بیش از ۴۰ گروه فعال حقوق بشر، سعی در مطرح کردن مفهوم برابری در میان خواسته‌های کاندیداها داشتند.^{۴۵} همچنین، پس از انتخابات نیز، اعضای کمپین در حمایت از خانواده‌های زندانیان، به خصوص زنان، شبکه‌ای را ایجاد کردند تا خانواده‌ها را پشت درب زندان‌ها همراهی کرده، در اعتراضاتشان شرکت کرده و تجارب خود را به خانواده‌ها انتقال دهند.

در طی دو سال اخیر، بسیاری از فعالان کمپین مجبور به ترک کشور شدند و سعی کردند تا از طریق رسانه‌های آزاد، جامعه مدنی و سازمان‌های بین‌المللی، موارد نقض حقوق بشر در ایران را انعکاس دهند. بنا به گفته یکی از فعالان، دنیای بیرونی امکانات بسیاری به ما می‌دهد، آزادی بیان و تجمعات امکان فعالیت آزاد را به ما داده طوری که بتوانیم صدای فعالان در ایران را انعکاس دهیم.^{۴۶} به عقیده یکی دیگر از اعضای کمپین، «در این میان، آن بخش از فعالان جنبش زنان که به تازگی ایران را ترک کرده‌اند، با حضور خود در جمع زنان فعال خارج از ایران و ارتباطات گسترده و عمیق با فعالان زن داخل ایران، توانستند مرز بین فعالان «داخل و خارج» را تا حد خیلی زیادی کمرنگ کنند و پل ارتباطی قابل اطمینانی بین این دو بخش از جنبش زنان

On a global level, the support of Nobel laureate Shirin Ebadi has also played a crucial role in giving the movement an international profile, while international human rights activists like the Dalai Lama have also expressed their support for the movement. For their work, various members of the campaign have received international recognition, including the 2007 Olof Palme Prize, the 2008 Reporters Without Borders/Deutsche Welle award, the 2009 Simone De Beauvoir Prize for Women's Freedom, the 2009 Feminist Majority Foundation Global Women's Rights Award, and the 2009 Glamour Women of the Year Award.⁴⁸

By the end of 2009, though the petition's signatures had not been officially counted, it was estimated that the campaign had collected hundreds of thousands of signatures.⁴⁹ "We feel we achieved a great deal, even though we are faced with security charges," says a co-founder of the campaign. "No one is afraid to talk about more rights for women anymore. This is a big achievement."⁵⁰

باشند.^{۴۷}

در سطح جهانی نیز شیرین عبادی، برنده جایزه صلح نوبل، نقش مهمی را در مطرح کردن خواسته‌های زنان در سطح جهانی ایفا نموده و این در حالی است که افراد سرشناسی چون دالای لاما، حمایت خود را از جنبش زنان در ایران اعلام کرده‌اند. چند تن از اعضای کمپین نیز به دلیل فعالیت‌هایشان در کمپین، جوایز بین‌المللی دریافت نموده‌اند؛ از جمله آنها عبارتند از: جایزه اولاف پالمه ۲۰۰۷، جایزه دوپچه وله / گزارشگران بدون مرز ۲۰۰۸، جایزه سیمون دوبوار برای آزادی زنان ۲۰۰۹، جایزه حقوق زنان جهان بنیاد اکثریت فمینیستی ۲۰۰۹ و جایزه زنان منتخب سال مجله گلمور ۲۰۰۹.^{۴۸}

تا پایان سال ۲۰۰۹، اگرچه امضاها به طور رسمی شمارش نشده، اما تخمین زده می‌شود که صدها هزار امضا جمع‌آوری گردیده.^{۴۹} یکی از بنیان‌گذاران کمپین می‌گوید: ما به موفقیت بزرگی دست یافتیم اگرچه با سرکوب‌های حکومتی مواجه بودیم، دیگر هیچ‌کس از صحبت کردن درباره حقوق زنان ترسی ندارد و این موفقیت بسیار بزرگی است.^{۵۰}

Footnotes

پی‌نوشت‌ها

۱. احمدی خراسانی، نوشین. سرنوشت حقوق حمایت خانواده: «مصاحبه نوشین احمدی خراسانی با مهناز افخمی، دومین وزیر زن در ایران»، ۱۴ اکتبر ۲۰۰۸. مدرسه فمینیستی.
۲. نوشیروانی، ریحانه. «زنان ایرانی در عصر مدرن: یک تاریخ شماری»، ۲۵ اگوست ۲۰۰۹. بنیاد مطالعات ایران.
۳. نوشیروانی، ریحانه. «زنان ایرانی و جمهوری اسلامی: یک تاریخ شماری»، ۲۵ اگوست ۲۰۰۹. بنیاد مطالعات ایران.
۴. عبادی، شیرین. بیداری ایران: سفر یک زن برای اصلاح زندگی و کشورش. نیویورک: خانه تصادفی، ۲۰۰۷، ۵۱.
۵. کار، مهرانگیز. «زنان، قربانیان انقلاب ایران»، ۵ مارس ۲۰۱۰. گذار.
۶. احمدی خراسانی، نوشین. کمپین یک میلیون امضا زنان ایرانی برای برابری: داستان داخلی. واشنگتن دی‌سی: مشارکت در یادگیری زنان، ۲۰۱۰، ۵.
۷. مدرسه فمینیستی، «سه سند اصلی کمپین»

۸. مدرسه فمینیستی، روز همبستگی زنان ایران، تاریخچه، ۲۲ خرداد ۲۰۰۸.
9. Power, Carla. "the women of Iran's One Million Signatures Campaign: The Activists." Glamour Magazine. November 3, 2009.
۱۰. کمپین یک میلیون امضا. «درباره کمپین» (کمپین چیست؟) تغییر برای برابری. ۳۰ جون، ۲۰۰۸. مدرسه فمینیستی، «روایت اوج و افول کمپین یک میلیون امضا»، ۲۱ اگوست ۲۰۱۰.
۱۱. داودی مهاجر، فریبا. کمپین یک میلیون امضا.
۱۲. کمپین یک میلیون امضا. «درباره یک میلیون امضا که خواهان تغییرات قوانین تبعیض آمیز هستند»، تغییر برای برابری. ۲۸ اگوست، ۲۰۰۶.
۱۳. جعفری، مینا. «کمپین یک میلیون امضا: چهار سال تحرک، تنش و تجربه»، رادیو زمانه. ۴ سپتامبر، ۲۰۱۰.
۱۴. کمپین یک میلیون امضا. «درباره یک میلیون امضا که خواهان تغییرات قوانین تبعیض آمیز هستند»، تغییر برای برابری. ۲۸ اگوست، ۲۰۰۶.
۱۵. داودی مهاجر، فریبا. «مصاحبه با توانا» ۲۰۱۰.
۱۶. کمپین یک میلیون امضا. درباره کمپین، «کمپین چیست»، تغییر برای برابری. ۳۰ جون، ۲۰۰۸.
۱۷. اعضای که در طول شش ماه اول فعالیت کمپین به آن پیوستند.
۱۸. خراسانی، ص. ۴۷.
۱۹. خراسانی، ص. ۵۴.
۲۰. خراسانی، ص. ۷۱.
۲۱. کمپین یک میلیون امضا. درباره کمپین. «چگونه به کمپین پیوندیم»، تغییر برای برابری. ۶ می، ۲۰۰۸.
۲۲. مسجدی، فاطمه. «دست یافتن به برابری به سادگی ممکن نیست»، قانون خانواده برابر، ۴ سپتامبر، ۲۰۱۰.
۲۳. خراسانی، ص. ۶۷.
۲۴. خراسانی، ص. ۷۰.
۲۵. خانه آزادی، «ایران (جامعه مدنی)»
۲۶. «مصوبه مجمع عمومی سازمان ملل متحد در حوزه حقوق بشر»، ۲۰ سپتامبر ۱۹۹۳، مصوبه شماره A/RES/48/145.
۲۷. خانه آزادی.
۲۸. خانه آزادی. «آزادی در جهان ۲۰۱۱: ایران»
۲۹. «اللهیاری، پرستو»، کمپین یک میلیون امضا. تغییر برای برابری. ۸ نوامبر، ۲۰۰۸.
۳۰. مظفری، کاوه.
۳۱. حسین خواه، مریم. «مهاجرت فعالان زن و تغییر مرزهای جنبش زنان» قانون خانواده برابر. ۹ مارس. ۲۰۱۱.
۳۲. «کمپین یک میلیون امضا، چهار سال بعد»، دویچه وله. ۲۶ اگوست، ۲۰۱۰.
33. Power, Carla. "The Woman of Iran's One Million Signatures Campaign: The Activist." Glamour Magazine. November 3, 2009.
۳۴. همان
۳۵. گزارش موقت از دبیر کل سازمان ملل در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران، بیانیه شماره A/HRC/16/75، ۱۴ مارس، ۲۰۱۱. متن پی‌دی‌اف.
۳۶. «ایران: برابری برای زنان را در ماه مارس اجازه بدهید»، دیده بان حقوق بشر، ۷ مارس، ۲۰۱۱.
۳۷. خراسانی، ص. ۶۰.
۳۸. خراسانی، ص. ۲.

۳۹. «یک نفر بین یک میلیون: مصاحبه لایلا علی کرمی»، مجله نیو اینترنشنالیست. ۲۲ اکتبر، ۲۰۰۹.
۴۰. کمپین یک میلیون امضا. درباره کمپین. «کمپین چیست؟» تغییر برای برابری. ۶ می، ۲۰۰۸.
۴۱. همان
۴۲. اردلان، پروین. «کنکاشی در هویت جنبشی ما و رفتار جنبشی»، ۱۵ جولای، ۲۰۱۰.
۴۳. داودی مهاجر، فریبا. «مصاحبه با توانا»، ۲۰۱۰.
۴۴. اردلان، پروین.
۴۵. خراسانی، ص. ۹۰-۱.
۴۶. امینی، آسیه. «اعتراض زنان در بیرون، ادامه کنشگری است»، رادیو زمانه. ۱ نوامبر ۲۰۱۰.
۴۷. حسینی خواه، مریم.
۴۸. طهماسبی، سوزان. «کمپین یک میلیون امضا: پاسخ هایی به متداول ترین سوالات مطرح شده شما»، تغییر برای برابری. ۲۴ فوریه، ۲۰۰۸.
49. Power.
۵۰. فتحی، نازیلا. «شروع از خانه، جنگ زنان ایرانی برای گرفتن حقوقشان»، نیویورک تایمز. ۱۲ فوریه. ۲۰۰۹.